

## The Place-Oasis Model with a Reflection on the Oasis Features

Mohammad Sadegh Falahat<sup>1</sup>  | Sepideh Aslan<sup>2</sup> 

1. Associate Professor, Department of Architecture, University of Zanjan, Zanjan, Iran, [safalahat@znu.ac.ir](mailto:safalahat@znu.ac.ir)

2. M.Arch. Student, Faculty of Engineering, Department of Architecture, University of Zanjan, Zanjan, Iran, [sepidaslan@znu.ac.ir](mailto:sepidaslan@znu.ac.ir)

### Article Info:

#### Article type:

Research Article

#### history:

##### Received:

2024/8/31

##### Received:

2024/11/9

##### Accepted:

2024/12/4

##### Published:

2025/2/3

### Keywords

the foundation of the place,  
the emergence of the place,  
the oasis features, the place-  
oasis model.

**A**bstract: Oases can be regarded as some of the earliest human settlements. They showcase humanity's profound understanding of nature and our ability to interact with the environment in the harsh conditions of the desert. Due to their geographical locations and access to water, oases create green areas in arid landscapes, providing essential resting and settlement spaces. As such, oases represent the initial expression of the concept of "place" in the history of human habitation. This research aims to explain the place-oasis model by examining the components that define a place and analyzing the fundamental features of oases. In doing so, it seeks to establish a meaningful relationship between place and oasis. This model consists of two layers: the inner layer, which forms the foundation and represents the essence of the place, and the outer layer, which encompasses the initial emergence of the model and reflects the manifest features of the place as they appear in the oasis. From the interaction of these two successive layers, the place-oasis model is formed, consisting of three components: "form – enclosure/centrality," "function – activity," and "meaning – environmental character." Ultimately, this study, employing library resources alongside qualitative and analytical research methods, concludes that other types of settlements—such as houses, neighborhoods, and cities—are extensions of these early oases. Thus, the place-oasis model is a fundamental framework for understanding the relationship between a place and its emergence. This model can be observed and analyzed in various human habitats, leading to a deeper understanding of place and the active features of the place-oasis relationship.

**Cite this article:** Falahat, M. Aslan, S. (2025) The Place-Oasis Model with a Reflection on the Oasis Features, *Architectural & Environmental Research* 2(3), 151-178. <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2051794.1177>

© The Author(s).

**Homepage:** [jaer.znu.ac.ir](http://jaer.znu.ac.ir)

**Publisher:** University of Zanjan





# پژوهش های معماری و محیط

شاپا الکترونیک: ۲۹۸۱-۲۴۷۷

شاپا چاپی: ۲۵۸۸-۶۳۶۳

## تبیین الگوی مکان-واحه با تأملی بر ویژگی های واحه

محمدصادق فلاحت | سپیده اصلان

۱. دانشیار گروه معماری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. safalahat@znu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده مهندسی، گروه معماری، دانشگاه زنجان. sepid.aslan@znu.ac.ir

### اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

### تاریخ ها:

دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۰

بازنگری: ۱۴۰۳/۸/۱۹

پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۴

انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

### واژگان کلیدی:

بن مایه های مکان، تجلی مکان، ویژگی های واحه، الگوی مکان-واحه

**چکیده:** واحه ها را می توان اولین سکونت گاه های انسانی به شمار آورد که بیانگر درک عمیق انسان از طبیعت است و نشان از توانایی انسان در برقراری تعامل با محیط سخت و خشن بیان دارد. واحه ها به واسطه شرایط جغرافیایی و دسترسی به آب، پهنه ای سبز در بیابان می گسترانند و مکانی برای اتراف کردن و سکنی گزیدن فراهم می کنند. از این رو، واحه ها را می توان اولین تجلی گاه مکان در تاریخ سکونت انسان برشمرد. این پژوهش بر آن است با نگاهی به مؤلفه های تشکیل دهنده مکان و واکاوی در ویژگی های بنیادین واحه، الگوی مکان-واحه را تبیین کند، به نحوی که نسبت مؤثری بین مکان و واحه برقرار نماید. این الگو از دو لایه درونی و بیرونی تشکیل شده است که لایه درونی، مبانی الگو را تشکیل داده و به بن مایه های مکان اشاره دارد و لایه بیرونی مبادی الگو بوده و به ویژگی های پدیدار کننده مکان که خود را در واحه آشکار می کند، دلالت می نماید. از پیدایش این دو لایه متممادی، الگوی مکان-واحه با سه مؤلفه «فرم-محسوسیت/هرکریت»، «عملکرد-فعالیت» و «معنا-شخصیت محیطی» حاصل می گردد. در انتها، این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه ای و روش پژوهش کیفی و تحلیلی به این نتیجه می رسد که واحه، نقطه آغازین مکان و ویژگی های واحه پدیدار کننده بن مایه های مکان بوده و سایر سکونتگاه ها، همچون خانه، محله، شار و شهر نیز امتداد همان واحه های اولیه هستند. در نهایت، الگوی مکان-واحه، الگوی بنیادینی در بیان نسبت بن مایه های مکان و تجلی اش است و می توان این الگو را در دیگر زیستگاه های انسانی مشاهده و تبیین نمود و درک ژرف تری از مکان و ویژگی های پویای مکان-واحه ای در آن ها به دست آورد.

**استناد:** فلاحت، محمدصادق، اصلان، سپیده (۱۴۰۲). تبیین الگوی مکان-واحه با تأملی بر ویژگی های واحه. پژوهش های معماری و محیط، ۱۷۸ (۲۳)، ۱۵۲-۱۵۷. <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2051794.1177>.

ناشر: دانشگاه زنجان.

© نویسندگان

Homepage: jaer.znu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2051794.1177>



## مقدمه

مکان به عنوان مفهومی ژرف، همواره خود را به صورت گوناگون متجلی می‌کند. چه در حالت کشف یک فضا مثل واحه و یا ساخت یک فضا مثل خانه و حتی در مقیاس بزرگ‌تری همچون شهر، مکان، صورت‌های پدیداری خود را آشکار می‌کند. واحه، بنیادی‌ترین واحد زیست در بیابان است که به واسطه ویژگی‌های جغرافیایی منحصربه‌فرد و قابلیت‌های زیست‌محیطی بالقوه خود، همواره مورد توجه قرار گرفته است. توپوگرافی زمین، پوشش گیاهی و از همه مهم‌تر، دسترسی به آب سبب شده واحه به عنوان فضایی طبیعت‌ساخت مورد انتخاب انسان قرار گیرد و ارتباط انسانی با این فضا، به همراه تغییرات و مداخلات کالبدی، آن را به مکانی برای سکونت و زیستن در بیابان‌های گرم و خشک تبدیل نماید. از آنجا که مکان تجلی پیوند انسان با محیط است و «به فضایی اطلاق می‌شود که در آن انسان با محیط پیرامونش دارای تعامل است» (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۱۸) و به واسطه اشغال انسان معنا یافته است (فلاحه، ۱۳۹۴: ۲۸) و از طرف دیگر واحه نیز برخوردار از ویژگی‌هایی است که بن‌مایه‌های مکان را در خود پدیدار می‌کند، می‌توان واحه را کوچک‌ترین واحد مکان دانست. نگاهی مکان‌مند به واحه، علاوه بر آن که در شناخت ژرف‌تر واحه‌ها، حفاظت از آن‌ها و تلاش برای پایدار ماندن آن‌ها مؤثر است، می‌تواند به عنوان واحدی برای تعین مکان و درک عمیق‌تر نحوه عینیت یافتگی آن نیز به کار رود.

مطالعات گسترده‌ای نسبت به مفهوم مکان، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، حس مکان، دلبستگی و تعلق به مکان صورت گرفته است و مکان از زوایای متعددی مورد تحلیل قرار گرفته است. با این حال، مطالعات در مورد واحه، پرشمار نیستند. به طور کلی، مطالعات انجام‌شده در مورد واحه به ارزش‌های زیست‌محیطی، الگوهای پایداری، نحوه تأمین و ذخیره آب و نیز تحلیل و بررسی نمونه‌های واحه به شکل موردی پرداخته‌اند. در ادامه مطالعات صورت گرفته، این پژوهش با تعمق در مؤلفه‌های مکان و واکاوی در ویژگی‌های تشکیل‌دهنده واحه به دنبال آن است که نسبت مؤثری میان مکان و واحه برقرار کرده و الگویی بین آن دو تبیین کند تا واحه را به عنوان نخستین تجلی بن‌مایه‌های مکان معرفی کرده و علاوه بر آن، به درک ژرف‌تری از ویژگی‌های مکانی واحه و سایر سکونتگاه‌های انسانی دست یابد.

در نیل به این هدف، تلاش شده با مراجعه به اسناد و متون کتابخانه‌ای و مقالات، بن‌مایه‌های مکان و نیز ویژگی‌های واحه استخراج‌شده و سپس ارتباط میان این دو در الگوی مکان-واحه تبیین شود. این الگو بیانگر بن‌مایه‌های مکان و پدیداری و عینیت یافتگی آن‌ها در واحه است. شناخت هر یک از این دو، مستلزم شناخت طرف دیگر این الگوست؛ چنانچه برای شناخت واحه، باید به بن‌مایه‌های مکان رجوع کرد و برای درک عینیت یافتگی مکان نیز باید ویژگی‌های واحه را بازشناخت. الگوی مکان-واحه، مدل‌واره‌ای برای

درک مکان و نحوه تعین آن ارائه می‌دهد و می‌تواند در شناخت سایر زیستگاه‌های انسانی به کار گرفته شود. چنانچه، در نگاهی فراخ‌تر و عمیق‌تر، خانه، محله و شهر نیز ادامه و گسترش یافته همان واحه‌های اولیه هستند و می‌توان الگوی مکان-واحه را در دیگر سکونت‌گاه‌ها همچون خانه و شهر دنبال کرد.

### ۱. پیشینه پژوهش

مطالعات در مورد واحه پرشمار نیستند. بیشتر مطالعات انجام‌شده در این حوزه به مطالعه ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخیچه و پایداری محیطی و منظر در واحه پرداخته‌اند. در حوزه پایداری و ارزش‌های زیست‌محیطی واحه، شیرازی و فلاح‌ت واحه را از جنبه اصول پایداری برای زندگی شهری پایدارتر مورد بررسی قرار داده‌اند (شیرازی و فلاح‌ت، ۲۰۱۵). همچنین حدادقا و همکاران به بررسی ارزش‌های زیست‌محیطی واحه پرداخته و از آن در جهت ساخت یک مدل برای ارائه خدمات زیست‌محیطی در خصوص یک پروژه در بیابان بهره برده‌اند (Hadagha and others, 2018). (۲۰۱۸) بینل در کتاب "یک واحه مصری" به بررسی تاریخیچه و موقعیت جغرافیایی و نحوه ذخیره آب در یک واحه مصری به صورت نمونه موردی پرداخته است (Beanell, 1909). برخی دیگر واحه را در حوزه منظر و تاریخیچه شکل‌گیری مورد بررسی قرار داده‌اند. برای مثال، پاور و شیهان (۲۰۱۲) واحه العین در

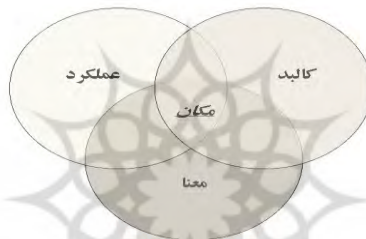
امارات را در این حوزه مورد بررسی قرار داده‌اند (Power and Sheehan, 2012). تقوایی در حوزه منظر، واحه را به عنوان الگوی زیستی پایدار در مناطق گرم و خشک مورد بررسی قرار داده است؛ در پژوهش وی به جلوه‌های بصری محیط واحه و روح مکان نیز توجه شده است (تقوایی، ۱۳۸۶). در ادامه مطالعات صورت گرفته، این پژوهش در نظر دارد تا با توجه به مفهوم مکان و با عنایت به ویژگی‌های واحه به الگویی دست یابد که به «مکان» از لحاظ ذهنی و مفهومی و علاوه بر آن از نظر عینی و بیرونی نزدیک شده و مدلی از بن‌مایه‌های مکان ارائه دهد که هم به بن‌مایه‌های مکان ارجاع دارد و هم به تجلی آن در واقعیت مکان دلالت می‌کند.

### ۲. مکان و مؤلفه‌های آن

در فرهنگ آکسفورد در «حالت اسمی»، مکان به یک موقعیت یا نقطه خاص با کیفیت ویژه اطلاق می‌شود که می‌تواند در یک محل عینی مانند شهر، خیابان و ساختمان، یا محل ذهنی مانند تاریخ، ریاضیات و خانه وجود داشته باشد. در دیدگاه علمی و تجربی، مکان مفهومی مجرد و به معنای جایی یا قسمتی از یک فضا است که از طریق عناصری که در آن قرار دارند هویت خاصی می‌یابد. به طور کلی، مکان به دو صورت طبیعی و مصنوع وجود دارد که مکان مصنوع به معنای مکان انسان‌ساخت است که به واسطه اجزاء منظم فضای معماری به وجود می‌آید (فلاح‌ت،

یک مکان خوب می‌داند (مونتگمری، ۱۹۹۸). وی معانی مکان را ریشه در خصوصیات کالبدی و فعالیت‌های وابسته بدان می‌داند (مدیری به نقل از مونتگمری، ۱۳۸۷: ۷۶). در ادامه، کانتر در تکمیل کار رلف و مونتگمری، مکان را شامل فعالیت، خصوصیات کالبدی و معانی محیط تعریف می‌کند (همان، ۱۳۸۷: ۷۷). در نتیجه، بر اساس مطالعات دیوید کانتر، جان مونتگمری و ادوارد رلف، سه مؤلفه اصلی مکان که بن‌مایه‌های مکان را شکل می‌دهند عبارت است از کالبد،

۱۳۹۴: ۳۳). از نظر کانتر، مکان بخشی از فضای طبیعی یا انسان‌ساخت است که به لحاظ مفهومی یا مادی محدوده‌ای مشخص دارد و نتیجه روابط متقابل و عکس‌العمل میان سه عامل رفتار انسانی، مفاهیم و ویژگی‌های کالبدی مربوط به آن است (فلاحت، ۱۳۹۵: ۱۹). رلف در کتاب «مکان و بی‌مکانی»، با نگاهی پدیدارشناسانه در پی چگونگی و چرایی معنی‌دار شدن مکان‌ها برای مردم است و مکان را در سه وجه کالبد، فعالیت و معنا تعریف می‌کند (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۱۹).



تصویر ۱. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مکان برگرفته از نظرات دیوید کانتر، جان مونتگمری و ادوارد رلف، ماخذ: نگارندگان.

عملکرد و معنا.

مونتگمری نیز بر مبنای مدل کانتر، سه مؤلفه فرم، فعالیت و تصورات ذهنی را عامل شکل‌گیری از آنجا که ماهیت وجودی واحه این است که

گستره‌ای در بیابان را به مکانی برای زیستن تبدیل می‌کند و زمینه‌ای را تحدید می‌کند تا فعالیت‌های انسانی و معانی را در خود جای دهد، در نتیجه با خلق ساختارهای مختلف، بستری فراهم می‌آورد تا کالبد، معنا و فعالیت‌های زیستی انسان یکپارچه شده و مکان را شکل دهد. از این‌روست که ویژگی‌های واحه بر بن‌مایه‌های مکان استوار

### ۳. مفهوم واحه و عناصر تشکیل‌دهنده آن

واژه واحه در فرهنگ اتیمولوژی ریشه در کلمه‌ای قبطی (زبان مسیحیان مصر) به نام «آحه» دارد که به معنای «مکان سکنی گزیدن»<sup>۲</sup> است. این واژه بعد از آن وارد زبان عربی شده و به "واحه" تغییر کرده و از آنجا وارد زبان فارسی

است و در سایه آن سایر محصولات می‌رویند. در تعریف دیگری، واحه، لکه سبز جدا افتاده‌ای در بیابان است که حیوانات در آن ماوا می‌گیرند. واحه‌ها آب و زیستگاهی برای حشرات و حیوانات کوچک و همچنین مکانی برای پرندگان مهاجر فراهم می‌کنند و چنانچه به اندازه کافی بزرگ باشند، تبدیل به سکونتگاهی برای انسان می‌گردند (پریائنا، ۲۰۱۷). در واقع واحه، مکانی است که امکان حیات در گستره بیابان را فراهم می‌کند و با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، طبیعی و زیستی و نیز تأمین حداقل آسایش، برای سکونت انتخاب می‌گردد.

شده است. لغت‌نامه دهخدا واژه آبادی را برابر واحه قرار داده است. واحه و در حالت جمع واحات، سرزمین آبادی است که در وسط ریگزار قرار دارد و لفظی است که منقول از لغت مصری است. در جای دیگر نیز به معنای آبادی یا مرغزار در میان کویر، جای آسوده و دنج در میان گرفتاری‌ها است (فرهنگ آریان‌پور، ۱۳۷۹). دیکشنری وبستر واحه یا "Oasis" را جایی می‌داند که پناه، تسکین یا تضاد دلپذیری را فراهم می‌کند. الدریج (۲۰۲۴) علاوه بر حاصلخیزی واحه‌ها در بیابان، به این نکته اشاره دارد که واحه‌ها به منابع پایدار آب دسترسی دارند و در تمام واحه‌های بیابانی، نخل خرما منبع اصلی غذا

#### تعریف واحه در منابع مختلف

|                       |                                                                                                                                                                                                                                                    |
|-----------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| فرهنگ بریتانیکا       | واحه را قطعه زمینی حاصلخیز در بیابان می‌داند که به منابع پایایی از آب دسترسی دارد و ابعاد و اندازه آن متأثر از نوع دسترسی به آب است و در تمام واحه‌های صحرا، نخل خرما منبع اصلی غذا است و در سایه آن سایر محصولات می‌رویند                         |
| اطلس جهانی            | لکه سبز جدا افتاده‌ای در میان بیابان، که ماوایی برای حیوانات منطقه است، واحه‌ها آب و زیستگاهی برای حشرات و حیوانات کوچک و همچنین مکانی برای پرندگان مهاجر فراهم می‌کنند و اگر واحه به اندازه کافی بزرگ باشد تبدیل به سکونتگاهی برای انسان می‌گردد. |
| نشنال جئوگرافیک       | گستره‌ای در یک منطقه خشک و بیابانی می‌داند که به طور سنتی با کاشت گیاهان نخل از چاه‌ها و محصولات کشاورزی در برابر وزش بادهای بیابان و شن‌ها حفاظت می‌شود.                                                                                          |
| فرهنگ لغات ایتیمولوژی | احتمالاً ریشه گرفته از واژه قبطی واحه، به معنای محل سکونت مکانی که در نتیجه همزیستی عناصر مختلف آن اعم از انسان، آب، گیاه و حیوان به پایداری رسیده و شکل فیزیکی آن را وابسته به مکان جغرافیایی و ارتباط آن با آب است.                              |
| فرهنگ دهخدا           | جایی که مردم در آن سکونت می‌کنند، آب و گیاه دارد و باصفا و باورنق است                                                                                                                                                                              |
| فرهنگ آریان‌پور       | آبادی یا مرغزار در میان کویر، جای آسوده و دنج در میان گرفتاری‌ها است                                                                                                                                                                               |
| فرهنگ وبستر           | واحه چیزی است که پناه، تسکین یا تضاد دلپذیری را فراهم می‌کند.                                                                                                                                                                                      |

مستلزم مانایی و پایداری هر یک از اجزاء تشکیل دهنده آن است. برای نائل آمدن به درکی عمیق‌تر از واحه‌ها، شناخت دقیق‌تر هر یک از مؤلفه‌های اصلی و نقش آن‌ها در شکل‌گیری واحه‌ها ضروری می‌نماید. ضیایی مناظر فرهنگی را به سه دسته مادی، غیر مادی و روابط دسته‌بندی

در واحه، مؤلفه‌ها و عناصر اصلی حیات کنار هم حضور می‌یابند و خرده‌اقليمی درون اقليم دیگر می‌آفرینند، به گونه‌ای که هر کدام نقش مؤثری در حیات بخشی به واحه‌ها دارند و علاوه بر آن، کلیت یکپارچه و منسجم واحه را نیز شکل می‌دهند. از این‌رو، پایداری و حیات واحه نیز



تشکیل دهنده واحه پرداخته خواهد شد.

#### مؤلفه‌های طبیعی واحه

آب: مهم‌ترین عنصر در حفظ حیات و ایجاد زیستگاه برای انسان و سایر موجودات در واحه است و نحوه حضور آن در واحه تعیین‌کننده شکل کلی و نحوه گسترش آن است. فرهنگ بریتانیکا ابعاد و اندازه واحه را متأثر از نوع دسترسی آن به آب می‌داند (الدریج، ۲۰۲۴). برای مثال، رودخانه‌هایی که از میان برخی بیابان‌ها می‌گذرند، منابع دائمی آب را برای واحه‌های بزرگ و کشیده فراهم می‌کنند. دره حاصلخیز رودخانه نیل در مصر نمونه‌ای از این نوع واحه است. (Rutledge, 2023) به همان نسبت، در واحه‌های کوچک و متمرکز، آب معمولاً از چشمه کوچک منفردی به دست می‌آید (فرهنگ فارسی مصاحب، ۱۳۷۴). از این رو، آب و نحوه بهره‌برداری از آن تعیین‌کننده شکل کلی واحه،

می‌کند که مؤلفه‌های مادی به ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی طبیعی و مصنوع مناظر، مؤلفه غیرمادی به باورها، ایدئولوژی و اقتصاد و رفتارها در مناظر و روابط به فرایند، روش‌ها و تکنیک‌های مورد استفاده اشاره دارد (Ziyaee, 2018). (4) با توجه به این نکته که واحه‌ها نیز به دلیل دارا بودن ارزش‌های منظرین و فرهنگی خود جزئی از مناظر فرهنگی به شمار می‌آیند، می‌توان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده واحه‌ها را به سه نوع مؤلفه مادی-طبیعی، مؤلفه مادی-مصنوع و مؤلفه غیرمادی دسته‌بندی کرد. مؤلفه‌های طبیعی دربرگیرنده آب، پوشش گیاهی، حیوانات و ویژگی‌های جغرافیایی و توپوگرافی هستند. مؤلفه‌های مصنوع نیز شامل باغ‌های کشاورزی، زمین‌های زراعی، قنات‌ها، بناها، پل‌ها، آبراهه‌ها و ... می‌شوند. مؤلفه غیرمادی نیز دربرگیرنده سبک زندگی، فرهنگ، آداب و رسوم و نحوه معیشت است. در ادامه به توضیح مؤلفه طبیعی

تصویر ۲: مولفه‌های تشکیل دهنده واحه بر اساس مولفه‌های تشکیل دهنده مناظر فرهنگی برگرفته از (Ziyaee, 2018).  
ابعاد آن، نحوه قرارگیری فضاها و چگونگی شکل‌گیری منظر واحه است.

**پوشش گیاهی:** در مناطق گرم و خشک، حضور گیاهان نقش مهمی در تنظیم شرایط محیطی، مهار باد و حفاظت از خاک بر عهده دارد. در نتیجه، نقش آن‌ها در بقا و پایداری واحه بسیار پراهمیت است. گیاهان بومی متعددی در مناطق گرم و خشک با توجه به نوع آب‌و‌خاک رشد می‌کنند که در میان آن‌ها درخت نخل نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد (تقوایی، ۱۳۸۶: ۱۷). درختان نخل با روش کاشت سلسله‌مراتبی، در مرزهای واحه محافظ حیات در واحه هستند. آن‌ها نسبت به سایر گیاهان در ارتفاع بالاتری رشد کرده و سایه‌بانی برای سایر گیاهان می‌باشند. آن‌ها مانع سوختن سایر گیاهان زراعی توسط خورشید می‌شوند و از تبخیر سریع آب کمیاب جلوگیری می‌کنند. آن‌ها معمولاً در لبه بیرونی واحه کاشته می‌شوند تا از واحه در برابر شن‌های بیابان و آلودگی منابع آب‌و‌خاک جلوگیری کنند (پریانا، ۲۰۱۷). در نتیجه، بدون حضور گیاهان بومی منطقه و همچنین گیاهانی همچون نخل که حاصل کاشت و پرورش انسان هستند، زیست در بیابان غیرممکن است.

#### حیوانات: حضور حیوانات در مجموعه

زیستی واحه و در حاشیه امن آن به دو روش باعث حفظ و پایداری حیات در واحه می‌گردد. اولاً، واحه حامی حیوانات منطقه است. اطلس جهانی واحه را لکه سبز جداافتاده‌ای در میان

زیستی واحه و در حاشیه امن آن به دو روش باعث حفظ و پایداری حیات در واحه می‌گردد. اولاً، واحه حامی حیوانات منطقه است. اطلس جهانی واحه را لکه سبز جداافتاده‌ای در میان

حیوانات کوچک و همچنین مکانی برای پرندگان مهاجر فراهم می‌کنند (پریانا، ۲۰۱۷). در نتیجه، واحه و پوشش گیاهی حاصل از آن پیرامون هر منطقه زیستی، در حکم حاشیه امن و زیستگاه حیوانات است. این حاشیه امن نقش مهمی در پایداری شرایط بومی هر منطقه ایجاد می‌کند (تقوایی، ۱۳۸۶: ۱۹). دوماً، حضور حیوانات اهلی لازمه حفظ حیات اهالی واحه و بخشی از زنجیره زیستی آن‌ها می‌باشد. در میان حیوانات اهلی واحه، شتر حائز اهمیت است. شترها در گذشته نه تنها بخش مهمی از رژیم غذایی مردمان واحه را تشکیل می‌دادند، بلکه تنها راه ارتباطی صحرائنشینان با دنیای خارج از واحه بوده‌اند. آن‌گونه که اعراب به شتر لقب کشتی صحرا داده‌اند (آیت، ۱۳۹۵: ۲۶).

**مرز:** حدود واحه با مرزهای آن معین می‌گردد که بر دو گونه است: مرزهای طبیعی و مصنوعی. مرزهای طبیعی به واسطه مکان جغرافیایی، واحه را احاطه کرده‌اند. مانند دیواره‌های طبیعی، مرز رودخانه‌ها و غیره که واحه در پناه یا حاشیه آن‌ها شکل گرفته و به آن‌ها محدود می‌گردد. ماهیت خاص فضاها را تحدیدکننده‌ی یک منطقه به طور مستقیم با شرایط مرزهای طبیعی آن مرتبط است (اردلان و بختیار، ۱۳۹۵: ۴۲). یافتن مکان جغرافیایی ویژه در گستره بیابان و تحدید آن با مرزهای طبیعی و



مصنوع، واحه را به فضایی برای سکونت تبدیل می‌کند. در این محدوده، انسان با ساخت سرپناه، کشاورزی و دامداری شرایط زیستی خویش را بهبود می‌بخشد و حول محوریت آب به رشد و توسعه درونی می‌پردازد. به این ترتیب، انسان در واحه سرپناه و ماوایی برای خویش فراهم می‌کند که وابسته به فرهنگ و نحوه تعامل وی با طبیعت است.

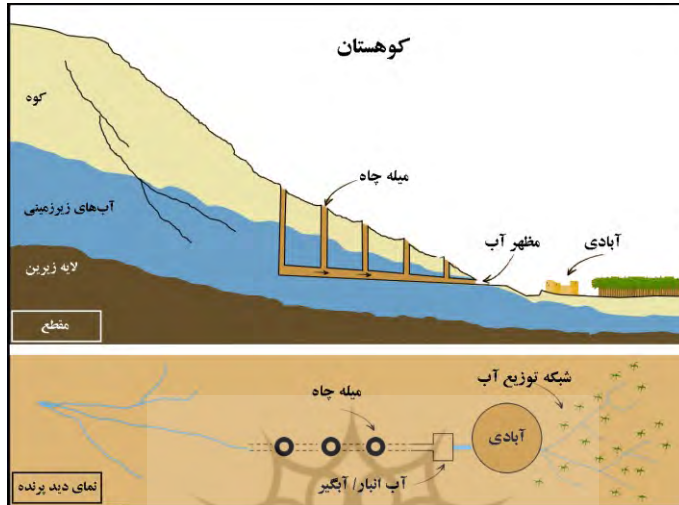
**انسان:** با توجه به آنچه از بررسی مفهوم واحه برآمد، عناصر تشکیل‌دهنده واحه در هماهنگی و یکپارچگی با یکدیگر به بافت مصنوع واحه شکل داده و حیات و ارتباطات انسانی را در فضایی امن میسر می‌سازند و بستر زیست انسان را گرد هم می‌آورند. در این میان، انسان مهم‌ترین نقش در شکل‌گیری واحه دارد؛ وی با توجه به موقعیت ویژه جغرافیایی، واحه را مکان‌یابی می‌کند و عناصر حیات را گرد هم می‌آورد تا واحه به مکانی برای زیستن تبدیل شود. در این حوزه، تقوایی واحه را جایی می‌داند که در نتیجه همزیستی عناصر مختلف آن اعم از انسان، آب، گیاه و حیوان به پایداری رسیده و شکل فیزیکی آن وابسته به مکان جغرافیایی و ارتباط آن با آب است (تقوایی، ۱۳۸۶: ۱۱-۱۹). همچنین شیجانی واحه‌ها را نتیجه‌ای طبیعی از رخدادهای خودبه‌خودی نمی‌داند، بلکه ناشی از فعالیت‌های انسان در سامان‌دهی محیط زندگی خویش می‌باشند؛ آن‌ها به کارگیری عملی تکنیک‌هایی هستند که با محیط خویش هماهنگ

بوده و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند (شیجانی، ۱۳۹۳: ۸-۹). بنابراین، نقش انسان در توسعه و حفظ حیات واحه با توجه به شرایط اقلیمی نامساعد بیابان بسیار چشم‌گیر است. این انسان است که با توجه به تجربه و فرهنگ زیسته خویش در بیابان، واحه را مکان‌یابی کرده و با مدیریت آب، کاشت گیاهان، پرورش حیوانات، حفاظت از محیط و ساخت سرپناه، نقش اساسی در حفظ و توسعه واحه دارد. انسان، با مدیریت و یکپارچگی عناصر واحه و با تکیه بر فرهنگ زیستی در کویر، حیات را در گستره بیابان فراهم می‌سازد.

**ویژگی‌های جغرافیایی:** شرایط جغرافیایی متفاوت باعث ایجاد گونه‌های مختلف واحه می‌شود. واحه‌ها با توجه به موقعیت قرارگیری و شرایط توپوگرافی در انواع گوناگونی ظاهر می‌شوند. کوهستان، وادی، شنزار و شورستان هر یک ویژگی‌های جغرافیایی متنوعی هستند که واحه‌های متفاوتی پدید می‌آورند (Laboasis, 2024).

**کوهستان:** در واحه‌های کوهستانی، محل سکونت و نخلستان این واحه‌های سنتی در شیب تراس‌ها یا در دامنه کوه‌ها واقع شده‌اند. آبی که امکان زندگی در این نوع از واحه را فراهم می‌کند، توسط قنات‌های زیرزمینی ساخته‌دست بشر با مسیری معمولاً کوتاه جمع‌آوری می‌شود. نمونه این واحه، واحه کوهستانی بلد سیت در عمان است. در واحه‌های کوهستانی، محور

سکونت و اجتماع انسان در حاشیه کوه و در دامنه قرار دارد. این واحه‌ها به صورت متمرکز در اطراف چاه آب گسترش می‌یابند. کشاورزی در اطراف محل سکونت برای تأمین مایحتاج افراد گسترده شده و نخلستان‌های خرما در حاشیه واحه، مرز با محیط بیابانی را تعیین می‌کنند.



• تصویر ۳: مقطع و دید پرنده واحه کوهستانی، laboasis.org

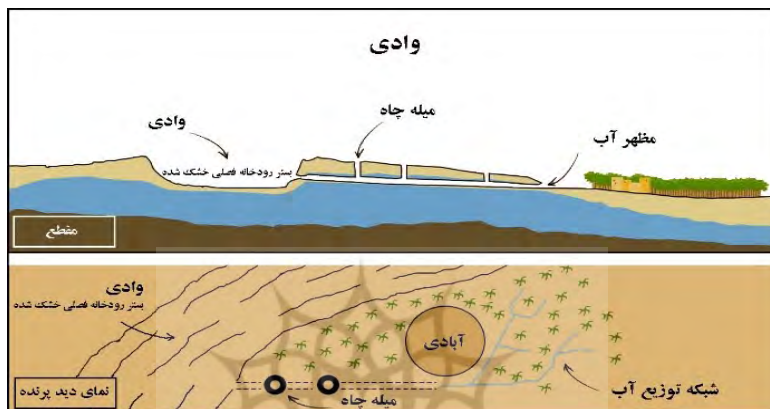


تصویر ۴: واحه کوهستانی بلد سیت در شمال رشته کوه جبل الهمجر در عمان (Siebert, 2007).

**وادی:** دهکده و نخلستان این واحه‌های سنتی در امتداد سواحل رودخانه‌های باستانی واقع شده‌اند که امروزه تقریباً خشک هستند. در واحه بیابانی، بسیاری از روستاها و نخلستان‌ها در جوار مسیر رودخانه به‌طور پیوسته، یکی پس از دیگری قرار گرفته‌اند. نمای کلی این سکونتگاه‌ها، یک واحه

واحه در سوی دیگر خود محدود به تپه‌های ماسه‌ای بیابان است. تأمین آب در واحه به واسطه جریان‌های زیرزمینی در زیر بستر رودخانه صورت می‌گیرد. واحه ام‌حمید در جنوب مراکش از این دست است.

بزرگ منفرد با مسیری سینوسی است که در آن شهرهای کوچک، روستاها و مناطق زیر کشت، یک سیستم ارگانیک و یکپارچه را در کنار مسیر رودخانه ایجاد می‌کنند. در این نوع از واحه، نخلستان‌های خرما به صورت پراکنده در حاشیه رودخانه با توجه به حضور آب شکل می‌گیرند و



تصویر ۵: مقطع و دید پرنده از واحه‌های تشکیل شده در کنار وادی‌ها، laboasis.org



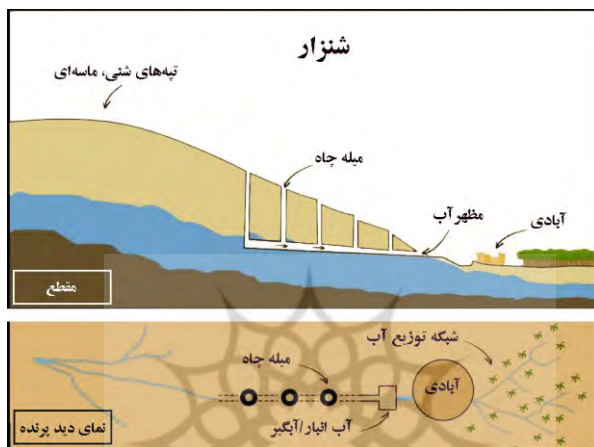
تصویر ۶: واحه تافیلات در جنوب مراکش، نمونه‌ای از واحه‌های شکل گرفته در کنار رودخانه‌های فصلی (وادی)، ماخذ:

visitmorocco.com

شنزار<sup>۱</sup>: دهکده و نخلستان این واحه‌ها کنار تپه‌های ماسه‌ای بیابان یا در صحرایی متشکل از

این دسته از واحه‌ها در صحنه بیکران ماسه‌های بادی توسط انسان به منظری مصنوع و بی‌بدیل تبدیل شده‌اند. آن‌ها توسط تپه‌های شنی احاطه شده‌اند و مرزهای مصنوع واحه با بیابان، نخلستان‌های خرمایی هستند که به نام «غوط» شناخته می‌شوند،

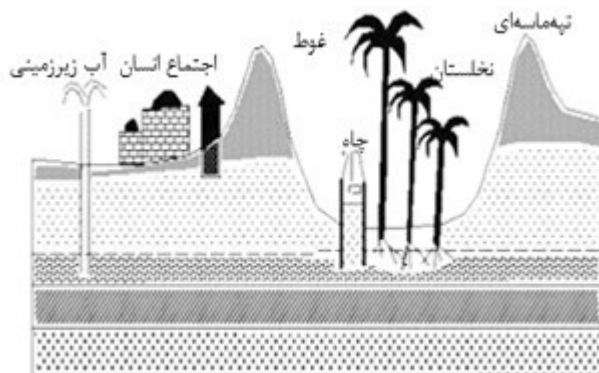
صخره‌های سنگی واقع شده‌اند. در این نوع واحه، با استفاده از مسیرهای طولانی قنات‌ها، آب از صحرا جمع‌آوری می‌شود. آبی که جمع‌آوری و تخلیه می‌شود، از سفره‌های زیرزمینی در عمق کم و همچنین تا حد زیادی از رطوبت شن، ماسه یا رسوبات صخره‌های سنگی به دست می‌آید.



تصویر ۷: مقطع و دید پرنده از واحه‌های تشکیل شده در شنزارها، مأخذ: laboasis.org



تصویر ۸: تصویر هوایی از واحه عین حمو، الجزایر، نمونه‌ای از واحه‌های شکل گرفته در شنزارها، مأخذ: georgesteinmetz.com.



تصویر ۹: کاشت نخل به روش غوط در منطقه العود، ماخذ: Remini, 2011

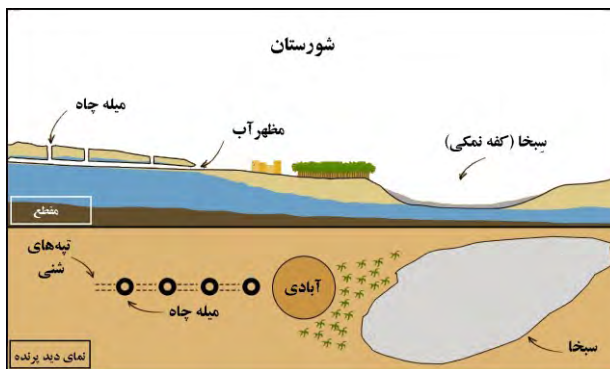
و توسط دیواره‌هایی بافته‌شده از نخل در می‌شوند. محل اجتماع و اسکان در این نوع از دهانه‌های قیفی شکل از هجوم ماسه محافظت واحه، در میان این نخلستان‌ها محصور است.



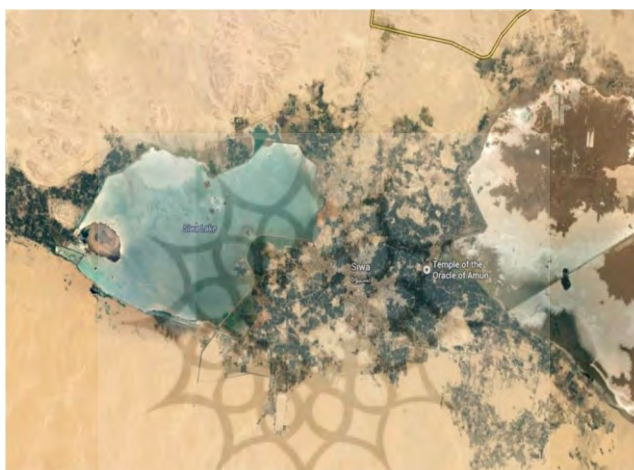
تصویر ۱۰: کاشت درختان نخل به روش غوط، واحه العود الجزایر، ماخذ: openknowledge.fao.org

**شورستان**<sup>۱</sup>، روستا و نخلستان این واحه‌های سنتی معمولاً زیر ارتفاع سطح دریا قرار دارند. مکان‌هایی که این جوامع در آن مستقر شده‌اند، در واقع سواحل دریاچه‌های باستانی هستند. منبع آب واحه، جریان‌های میکروزیزمینی هستند که قبل از اینکه به آرامی با جریان گرانشی به فرورفتگی قسمت‌های داخلی بیابان‌ها همگرا شوند، تخلیه می‌شوند. واحه سیوا در مصر یکی از مثال‌های مشخص برای این نوع از واحه است. در واحه‌های ساحلی، سکونت در اطراف دریاچه‌های باستانی شکل گرفته و مرزهای مصنوعی واحه به این دریاچه‌ها محدود می‌شود.





تصویر ۱۱: مقطع و دید پرندۀ واحه ساحلی. ماخذ: laboasis.org



تصویر ۱۲: محدوده واحه سیوا، مصر. ماخذ: Google Earth

نخلستان در حاشیه این دریاچه‌ها، محدوده سکونت واحه‌نشینان را تعیین کرده و فضاهای مسکونی به صورت متمرکز در این میان شکل می‌گیرند. عموماً این دسته از واحه‌ها در چاله‌هایی پایین‌تر از سطح دریاچه برای تأمین آب مورد نیاز واحه قرار می‌گیرند.

جدول ۲. انواع واحه و نحوه حضور عناصر تشکیل‌دهنده آن. ماخذ: تگارندگان.

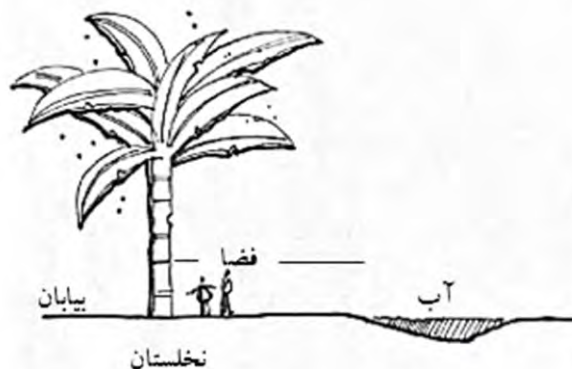
| مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده واحه | کوهستان                         | وادی                    | شنزار                 | شورستان                           |
|----------------------------|---------------------------------|-------------------------|-----------------------|-----------------------------------|
| آبادی                      | متمرکز در امتداد دره و در دامنه | کشیده در امتداد رودخانه | متمرکز در جوار غوط‌ها | متمرکز در جوار سواحل              |
| آب                         | چشمه‌ها و احداث چاه             | چاه                     | چاه، قنات             | تخلیه جریان‌های آب میکرو زیرزمینی |

|                  |                                                          |                                    |                                                                     |                           |
|------------------|----------------------------------------------------------|------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|---------------------------|
| پوشش گیاهی       | نخلستان کشیده در امتداد دره<br>مزارع در اطراف محل اجتماع | نخلستان کشیده در امتداد<br>رودخانه | نخلستان و مزارع متمرکز در<br>غوط و پراکندگی غوط‌ها در<br>اطراف واحه | نخلستان<br>دیردارنده واحه |
| موقعیت جغرافیایی | کوهستان، دره‌ها                                          | وادی یا بستر رودخانه<br>خشک شده    | تپه‌های شنی و ماسه‌ای                                               | کفه‌های نمکی              |

#### ۴. ویژگی‌های فضایی واحه

واحه با محدود کردن فضای مطلق بیابان حول مرکزیت آب فضایی مناسب برای فعالیت‌های انسانی ایجاد کرده و سبب تسهیل آن می‌گردد. در حقیقت واحه به معنای مکان متناسبی است که فضای مناسبی برای فعالیت‌های زیستی در گستره بیابان به وجود می‌آورد؛ واحه در حد واصل میان آب تا مرزهای طبیعی و مصنوع، فضایی را ایجاد میکند که معانی در آن قابل فهم باشد. در نتیجه واحه فرم یا ساختار مناسبی است که فعالیت در آن اتفاق می‌افتد و منجر به شناخت معانی می‌شود. حرکت در فضا، چه فضای درونی و چه بیرونی که با حضور مرزها به وجود آمده است؛ سبب ظهور کاراکتر یا شخصیت ویژه محیط می‌گردد. در حقیقت واحه مرکزی است در گستره بیابان برای فعالیت‌های انسانی که به واسطه مرزها باعث ظهور معانی می‌گردد. نوربرگ شولتز بیابان، کویر یا هامونی پهناور که فاقد عناصر معین طبیعی همچون کوه، رود، دره یا درخت می‌باشد به طور کلی با کمبود مراکز طبیعی مواجه می‌داند. وی در ادامه می‌گوید که این وظیفه معماری است که کمبود این مراکز را جبران کند. یعنی بنای معماری باید بتواند یک محوطه را تعریف کند (ندیمی به نقل از شولتز ۱۲۴-۱۳۹۳:۱۲۵).

در همه انواع معماری‌ها، در مقیاس‌های مختلف و در هر بستر فرهنگی‌ای که باشد، همواره مراکزی وجود دارند و حضور مراکز خاصیت ذاتی فضا است (همان). در نتیجه واحه به واسطه محصوریت، مرکز، شخصیت محیطی و کیفیت رابطه میان آنها به واقعیتی عینی بدل می‌شود. تناسبات مختلف میان مرزها و مرکزیت فرم‌های متفاوتی را به وجود می‌آورد که ویژگی‌های جغرافیایی منحصر به فرد محیط نیز در ایجاد آن دخیل هستند. می‌توان گفت واحه سه مفهوم بنیادین تمرکز، محصوریت و کاراکتر را معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که مفاهیم مذکور به فضای معماری این قابلیت را می‌دهد که به مکان معماری تبدیل شوند. در نتیجه مرکز، مرز، کاراکتر و چگونگی رابطه میان آنان در مکان‌های جغرافیایی متفاوت، مفاهیم متفاوتی را به وجود می‌آورد که این مفاهیم به واسطه حضور انسان در حد واصل درونی که از بیرون مجزا شده است شناخته می‌شود. در نتیجه سه مفهوم مذکور می‌تواند نسبت میان فعالیت، معنا و خصوصیات کالبدی واحه را ایجاد کرده و قابلیت تبدیل شدن به مکان را ممکن سازد. در ادامه جهت معرفی عوامل ایجاد مؤلفه‌های مکان در واحه، عوامل موثر در ایجاد مرکزیت، محصوریت و کاراکتر بیان شده است.



تصویر ۱۳: مقطع عوامل موثر بر ایجاد الگوی مکان-واحه. ماخذ: نگارندگان

### مرکزیت و محصوریت

واحه آب عامل بخش است و به ساختار کلی فعالیت‌ها در آن فرم می‌دهد. آب نقش حیاتی در جریان آب از عوامل شکل دهنده نظم و فرم کلی در سکونت‌گاه‌های ابتدایی انسان همچون آبادی‌ها (واحه‌ها) است. آب مرکز فیزیکی این الگوی مسکونی است و برگزیده ترین محل جایی است که جریان آب شروع می‌شود (اردلان، ۱۳۹۶: ۱۱۲). تحقیقات روی تعدادی از شهرهای مناطق گرم و خشک پیش از مدرن ایران، نقش پررنگ توپوگرافی مؤثر بر مسیر آب‌های جاری را در شکل‌گیری ساختار آن‌ها نشان داده است (استادزاده به نقل از Bonine, ۱۹۷۹) در مقیاس کلان آب به عنوان عنصری مستقل در بستر طبیعت بیشترین تأثیر را در شکل‌دهی به دیگر عناصر تشکیل دهنده شهر یعنی شبکه ارتباطی و نظام قطعات و نظام ساختمان دارد (استادزاده به نقل از Conzen, ۱۹۶۰).

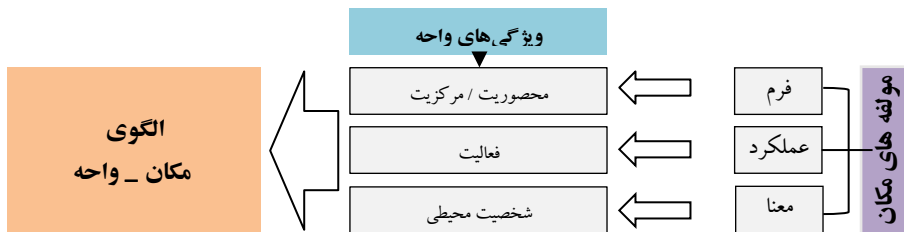
یکی از ساختارها و شروط اساسی برای به وجود آمدن مکان است و هر مکان پایدار با حدودش مشخص می‌شود و انسان بدین وسیله در واحه بخشی از گستره بیابان را معنادار می‌کند. همانطور که نور برگ شولتز شرط اصلی برای سکنی گزینی انسان را، موفقیت او در تعریف عرصه درونی و عرصه بیرونی می‌داند وقتی که مکان‌ها با محیط و نسبت به یکدیگر تأثیر متقابل داشته باشند (پرتوی به نقل از شولتز، ۱۳۸۲: ۴۳). همانطور که گفته شد واحه به وسیله مرزهای طبیعی و انسان‌ساخت تحدید می‌گردد و بدین ترتیب فضایی برای زیستن و ایجاد ارتباط انسان با طبیعت بیابان فراهم می‌گردد. آنچه همواره برقرار است تقابل مکان طبیعی و مکان انسان‌ساخت و مرزهای موجود میان‌شان است که گاه توسط انسان و گاه به صورت طبیعی ساخته یا تعریف می‌شود (موسوی، ۱۳۹۵: ۱۹۰). از منظر حواس، مرز، جسمانی تلقی می‌شود و فضا، حضور و حدود خود را از آن آغاز می‌کند. هر



چشم‌اندازی به وضوح مرزبندی شده و به سادگی دارای شخصیت قابل تصویری است (طلیسیچی، ۱۳۹۷: ۲۷).

می‌نویسد: «نخل من، ای واحه من، در پناه شما چشمه‌سار خنکی هست»، می‌توان گفت کاراکتر یا شخصیت محیطی واحه، فضایی برای پناه یافتن و ایجاد امنیت در میان سختی‌های بیابان است.

#### شخصیت محیطی



تصویر ۱۴: تبیین الگوی مکان-واحه با توجه به مولفه‌های مکان و ویژگی‌های واحه، ماخذ: نگارندگان.

#### فعالیت

هر فضایی بدون حضور انسان و عاری از فعالیت‌های انسانی و اجتماعی معنا پیدا نخواهد کرد و از جرگه آبادی، روستا، شهر و در نهایت فضا و مکان خارج شده و متروکه خواهد شد. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های هر فضایی وابسته به فعالیت‌های انسانی و اجتماعی در آن است که واحه نیز از این قاعده مستثنا نیست. نظام فعالیت‌ها در واحه را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود: فعالیت‌های کشاورزی و دامداری، فعالیت‌های اقتصادی و تجارت، فعالیت‌های فرهنگی، فعالیت‌های آبادانی و عمرانی.

راپاپورت این گونه اظهار می‌دارد که مسکن و سکونت‌گاه‌ها، توصیفی فیزیکی از فعالیت‌های مشترک اجتماعی هستند. به عبارت دیگر، سیستم فعالیت‌ها شکل گرفته از رفتار-کالبد هستند که به واسطه مکان‌ها و زمان‌های مشخص تعریف

شخصیت محیطی، اتمسفر عمومی مکان است که در واقع جامع‌ترین خاصیت هر مکانی محسوب می‌شود. همه مکان‌ها دارای کاراکتر هستند. زمانی که انسان به سکنی گزیدن ناائل می‌گردد، در واقع به طور هم‌زمان در یک فضا استقرار یافته و در معرض شخصیت محیطی قرار می‌گیرد (پرتوی، ۱۳۸۲: ۴۳-۴۴). رلف شخصیت را وابسته به معنا می‌داند و بیان می‌کند که مکان‌ها معنا دارند و با باور آن معنا، مکان‌ها شخصیت می‌یابند (فلاحه، ۱۳۹۵: ۹). کاراکتر مفهومی واقعی‌تر و در عین حال کلی‌تر از فضا است و اشاره به اتمسفری جامع و عمومی دارد و از طرف دیگر، فرم واقعی و ماهیت عناصر تعریف‌کننده فضا را یادآوری می‌کند. همان‌طور که پیش از این گفته شد، واحه به معنای جای دنج و آسوده در میان گرفتاری است و واحه چیزی است که پناه، تسکین یا تضاد دلپذیری را فراهم می‌کند. بنابراین، همان‌طور که شاملو در اشعار خویش

### ۵. الگوی مکان-واحه: تحلیل واحه به مثابه مکان

همانطور که پیشتر ذکر شد، واحه با سه ویژگی محصوریت/مرکزیت، فعالیت‌های انسانی و اجتماعی و شخصیت محیطی تعین می‌یابد. از طرف دیگر با توجه به مؤلفه‌های تشکیل دهنده مکان، ویژگی‌های بنیادین واحه را می‌توان در راستای بن‌مایه‌های مکان قرار داد. به این ترتیب که ویژگی محصوریت/مرکزیت واحه را به دلیل دارا بودن خصوصیت کالبدی و فیزیکی می‌توان به ویژگی فرمی مکان نسبت داد؛ ویژگی فعالیت‌های انسانی و اجتماعی در واحه که برآمده از قابلیت‌های فضایی واحه در ارائه کارکردهای مختلف است را می‌توان به مؤلفه عملکردی مکان مربوط دانست و نیز شخصیت محیطی واحه از آنجا که وابسته است به آنچه که واحه نشان می‌دهد، بیان می‌کند و یا تداعی می‌کند، می‌توان آن را به ویژگی‌های معنایندی مکان مرتبط دانست.

می‌شوند و عناصر انسانی و کالبدی آن به گونه‌ای سازمان‌یافته عمل می‌کنند که در آن فعالیت‌ها در نظم قاعده‌مند اتفاق می‌افتد (آزادبخت، نورتقایی، ۱۳۹۶: ۶۶). از نظر کاتر، موضوع اصلی مکان این است که مردم معمولاً فعالیت‌شان را در جای مکانی خاص جای می‌دهند (فلاح، ۱۳۹۵: ۹۸). مونتگمری می‌گوید: «این که چرا یک مکان موفق است و چگونه می‌توان این موفقیت را ایجاد کرد، بسیار دشوار است. در حالی که معانی مکان، ریشه در خصوصیات کالبدی و فعالیت‌های وابسته بدان دارد، ولی خصوصیات کالبدی، مکان را شکل نمی‌دهند؛ بلکه مقاصد و تجربیات انسانی هستند که خصوصیات مکان را شکل می‌دهند» (مدیری، ۱۳۸۷: ۷۶). ویژگی کالبدی و روابط افراد بخش‌های نسبتاً ثابت و فعالیت، بخش پویای مکان است. هر مکان معمولاً با تسهیل و تحدید فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد، معنا می‌یابد (فلاح، ۱۳۹۵: ۹۹).

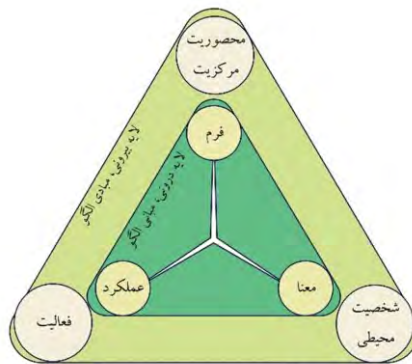


تصویر ۱۴: تبیین الگوی مکان-واحه با توجه به مؤلفه‌های مکان و ویژگی‌های واحه، ماخذ: نگارندگان.

آورده و واحه نیز آشکارکننده، تجلی‌گاه و مبادی این الگو است. نسبت میان این دو الگویی به وجود می‌آورد که می‌توان آن را برای سایر زیستگاه‌های انسانی به کار بست و شناخت ژرف‌تری از ویژگی‌های مکانی آنها به دست

در این الگو، نسبت میان مکان و واحه، نسبت بن‌مایه و تجلی‌اش است. بنیان‌های تشکیل دهنده واحه بر بن‌مایه‌های مکان استوار است و آن‌ها را پدیدار می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، مکان، بن‌مایه، بنیان و مبانی الگوی مکان-واحه را به وجود

آورد.



تصویر ۱۵: الگوی مکان-واحه، ماخذ: نگارندگان.

و متجلی می‌کند. از این رو، نسبت میان مکان و واحه، نسبت میان بن‌مایه و تجلی‌اش است. این نسبت، الگویی با لایه‌های درونی و بیرونی می‌سازد که فرایند از بن تا تجلی مکان را نشان می‌دهد. لایه درونی این الگو به مبنای و بن‌مایه‌های مکان می‌رسد و لایه بیرونی به مبادی و صورت‌آغازین آن که واحه باشد، اشاره دارد. ویژگی‌های واحه فقط محدود به واحه نمی‌شوند و الگوی مکان-واحه نیز فقط بیانگر نسبت میان مکان و واحه نیست. این الگو علاوه بر آن که ریشه‌اش در بن‌مایه‌های مکان جای گرفته، تنه‌اش نیز در دیگر سکونت‌گاه‌های انسانی همچون خانه، محله و شهر خود را نمایان می‌کند. به این معنا که خانه، محله و شهر دنباله و ادامه همان واحه‌های اولیه هستند و الگوی مکان-واحه را می‌توان در آن‌ها تبیین نمود. در این پژوهش، الگوی مکان-واحه با سه مؤلفه فرم-محسوریت/مرکزیت، عملکرد-فعالیت و معنا-شخصیت محیطی ارائه شد. همان‌طور که

بدین سان، الگوی مکان-واحه از دو لایه درونی و بیرونی تشکیل شده، که لایه درونی، مبنای الگوی مکان-واحه را شکل داده و به جوهره مکان و مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده آن اشاره دارد و لایه بیرونی مبادی الگوی مکان-واحه را شکل داده که به اساسی‌ترین ویژگی‌های آشکارکننده مکان دلالت دارد. این الگو از سه مؤلفه فرم-محسوریت/مرکزیت، عملکرد-فعالیت و معنا-شخصیت محیطی تشکیل شده است.

### نتیجه‌گیری

در تاریخ سکونت انسان، واحه‌ها اولین نقطه آغازکننده و آشکارکننده مکان هستند و ویژگی‌های مکانی نیز برای نخستین بار خود را در واحه پدیدار می‌کنند. واحه به دلیل گرد هم آوردن سرچشمه‌های حیات در خالص‌ترین شکل خود، جایی گرم و خشک، سخت و خشن را به مکانی برای زیستن تبدیل می‌کند. واحه در سرشت خود، بن‌مایه‌های مکان را عینیت بخشیده

مرکزیت در واحه با موقعیت جای‌گیری آب و نحوه دسترسی به آن مشخص می‌شود، در خانه ایرانی این مرکزیت با حیاط، در محله با مسجد و در شهر با بازار تعیین می‌یابد. چنانچه فعالیت در واحه شامل اتراق، سکونت، تجارت، دامداری و کشاورزی است، در محله و شهر نیز این فعالیت‌ها، الگوی مکان-واحه را تداوم می‌بخشند. همان‌طور که شخصیت محیطی واحه با سکنی‌گزیدن و درجایی بودن تعریف می‌شود، در محله، ارتباط با دیگران و در شهر، ارتباط با جهانی دیگر بودن، شخصیت محیطی آن‌ها را بازگو می‌کند.

در این پژوهش، واحه به‌عنوان اولین تجلی مکان، الگویی برای درک عمیق‌تر مکان‌مندی سایر سکونت‌گاه‌ها ارائه می‌دهد. الگوی مکان-واحه به‌واسطه دو لایه متمدنی بن و تجلی در خود، فهم بنیادینی از مکان و عینیت یافتگی آن پیش رو می‌نهد و به حقیقت مکان و شناخت تجلی‌های گوناگون آن نزدیک‌تر شده و سرمشقی برای ادراک بیشتر فضاهای سکونتی ارائه می‌دهد.

#### ملاحظات اخلاقی:

**حامی مالی:** این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

**تعارض منافع:** طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

**برگرفته از پایان‌نامه / رساله:** این مقاله مستخرج از رساله / پایان‌نامه نمی‌باشد.

## منابع

- آیت، هدا (۱۳۹۵). تأملی در خلقت شتر از دید قرآن و علم، پژوهشهای علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۹۶). نقش سنت در معماری ایرانی، ترجمه و نداد جلیلی، تهران: علم معمار.
- استاذزاده و دیگران (۱۴۰۲). پیوند آب، معماری و شهر پیش از مدرنیزاسیون آبرسانی در منطقه لارستان، مجله هنر و تمدن شرق، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۲). مکان و بی‌مکانی رویکردی پدیدارشناسانه، هنرهای زیبا، شماره ۱۴.
- تقوایی، حسن (۱۳۸۵). پایداری منظر و بوم در مناطق گرم و خشک و کویری ایران، همایش علمی - منطقه ای معماری کویر.
- تقوایی، حسن (۱۳۸۶). واحه جنبه بوم شناختی و پایداری در پردازش محیط و منظر، نشریه صفا، دوره ۱۶، شماره ۴۵.
- تقوایی، حسن و دیگران (۱۳۹۳). بازشناسی آموزه‌های الگوی واحه در ایجاد تالاب‌های مصنوع در شهرهای خشک ایران، اولین کنگره بین المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی.
- حیدری، علی اکبر و بهداد فر، نازگل (۱۳۹۳). بررسی وجوه مختلف معنای مکان از دید معماران و غیر معماران، نشریه علمی باغ نظر، سال سیزدهم، شماره ۴۳.
- رلف، ادوارد (۱۴۰۱). مکان و بی‌مکانی، ترجمه‌ی محمدرضا نقصان‌محمدی و دیگران. تهران: آرمانشهر.
- فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶ - فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- فلاحت، محمدصادق و شهیدی، صمد (۱۳۹۴). نقش مفهوم توده - فضا در تبیین مکان معماری، نشریه باغ نظر، شماره ۳۵، سال دوازدهم.
- فلاحت، محمدصادق و شهیدی، صمد (۱۳۹۵). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری، نشریه علمی باغ نظر، شماره ۱۴، سال چهاردهم.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۹۶). نگرشی مفهومی به انسان-طبیعت و معماری. زنجان: دانشگاه زنجان.
- کرامتی، غزل و دیگران (۱۴۰۲). پیوند آب، معماری و شهر پیش از مدرنیزاسیون آبرسانی در منطقه لارستان، مجله هنر و تمدن شرق، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- کانتر، دیوید (۱۳۹۲). روانشناسی مکان، ترجمه‌ی مریم امیری‌خواه. تهران: نشر فضا.
- مهدوی‌نژاد، محمد جواد و طالب هاشمی، سیده سارا (۱۳۹۶). نقش کیفیت طراحی و اجرا در تحقق مفهوم هویت در معماری معاصر ایران، اندیشه معماری، سال اول، شماره اول.
- موسوی، سید جلیل و دیگران (۱۳۹۵). مرزها و

- 2, No. 3.
- مکان‌ها، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۵.
- Khezzani, Bachir; Khechekhouché, El Amine and Brahim Aida Bousbia (2023). Community Awareness of Agricultural Heritage Systems (GHAS) Sites: The Case of the Ghout System in the Souf Oasis. *Journal of Rural and Community Development*, 18, 1 (2023), 19–31.
  - نذیمی، ضحی و دیگران (۱۳۹۳). اطوار مرکز، تحلیلی بر مراتب مفهوم مرکز در معماری، دو فصلنامه معماری ایرانی، شماره ۵، بهار و تابستان
  - نورتقلانی، عبدالمجید و آزادبخت، جاسم (۱۳۹۶). رابطه سیستم فعالیت‌های جمعی و پیکربندی خانه‌های کوه‌دشت با رویکرد نحو فضا، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۲ (۱)، ۶۵-۷۴.
  - نیک‌روش، ریحانه و قاسمی سیجانی، مریم (۱۳۹۳). بازشناسی جایگاه روح مکان در طراحی فضای کودکان؛ بر مبنای آراء دیدارشناختی نوربرگ شولتز، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره هفتم، شماره ۱.
  - Beadnell, H. J. Llewellyn (1909). *An Egyptian Oasis*. London.
  - Falahat, Somaiyeh & Shirazi, M. Reza (2015). Urban oasis, towards a prototype for sustainable urbanity: the case of Tehran, *International Journal of Society Systems Science*, Vol. 7, No. 4.
  - Gustafson, Per (2000). Meanings of Place: Everyday Experience and Theoretical Conceptualizations, *Journal of Environmental Psychology*.
  - Hadagha, F. Z. et-al (2018). Multifunctionality of the oasis ecosystem. Case study: Biskra Oasis, Algeria, *Journal of Contemporary Urban Affairs*, Vol.
  - Lewicka, Maria (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years, *Journal of Environmental Psychology*, Vol 31, 207–230.
  - Luedeling, Eike; Nagieb, maher and et-al (2005). Drainage, salt leaching and physico-chemical properties of irrigated man-made terrace soils in a mountain oasis of northern Oman. *Geoderma*, 125 (2005), 273– 285.
  - Montgomery, John (1998). Making a city: Urbanity, Vitality and Urban Design, *Journal of Urban Design*, Vol. 3, No. 1.
  - Martínez, O. Domínguez & et-al (2015). Stratigraphic analysis of earthen architecture: The mosque of M'Hamid El Ghizlane, *Earthen Architecture: Past, Present and Future* Mileto, Vegas, García Soriano and Cristini (Eds). Taylor & Francis Group, London, ISBN 978-1-138-02711-4.
  - Power, Timoty and Sheehan, Peter (2012). The origin and development of the oasis landscape of al-'Ain (UAE), *Proceedings of*



- 17.11.2024.
- URL-3<<https://www.education.nationalgeographic.org/resource/oasis>. واحه. سایت نشنال جئوگرافیک.
  - Rutledge, Kim & others (2023). date retrieved 17.11.2024.
  - URL-4<<https://www.etymonline.com/search?q=ouahe>. date retrieved 11.11.2024.
  - URL-5<<https://www.georgesteinmetz.com/> date retrieved 30.12.2024.
  - URL-6<<https://www.GoogleEarth.com>. date retrieved 17.11.2024.
  - URL-7<<https://www.laboasis.org/atlas-saharan-and-arabian-oases>. 16.11.2024
  - URL-8<<https://openknowledge.fao.org>. date retrieved. 30.12.2024.
  - URL-9<<https://www.visitmorocco.com/en>. 30.12.2024
  - URL-10<<https://www.worldatlas.com/article/s/what-is-an-oasis.html>. 23.11.2024
  - the Seminar for Arabian Studies, Vol. 42: Papers from the forty-fifth meeting of the Seminar for Arabian Studies held at the British Museum, London, 28 to 30 July 2011, 291–307.
  - Reimini, Boualem and Kechad, Rabah (2011). Impact of the Water Table Razing on the Degradation of El Oued Palm Plantation (Algeria) Mechanisms and Solutions, Geographia Technica, No. 1, 48–56.
  - Siebert, Stefan; Nagieb, maher and Buerkert, Andreas (2007). Climate and irrigation water use of a mountain oasis in northern Oman, agricultural water management, 89 (2007), 1–14.
  - Sobczak, Karolina (2008). Changes in the Environment and Migration in Southern Morocco – Example of the Mhamid Oasis, Miscellanea Geographica, Vol. 13, 239–250.
  - Ziyae, M (2018). Assessment of urban identity through a matrix of cultural landscapes, Cities, Vol. 74, 21–31.

## منابع اینترنتی

- URL-1<<https://www.britannica.com/place/el-Oued>, date retrieved 17.11.2024.
- الیسون، الدریج، (۲۰۲۴). دایره المعارف بریتانیکا،  
URL-واحه  
2<<https://www.britannica.com/science/oasis-geological-feature>. date retrieved